



فلسفه «اکنون زدگی»

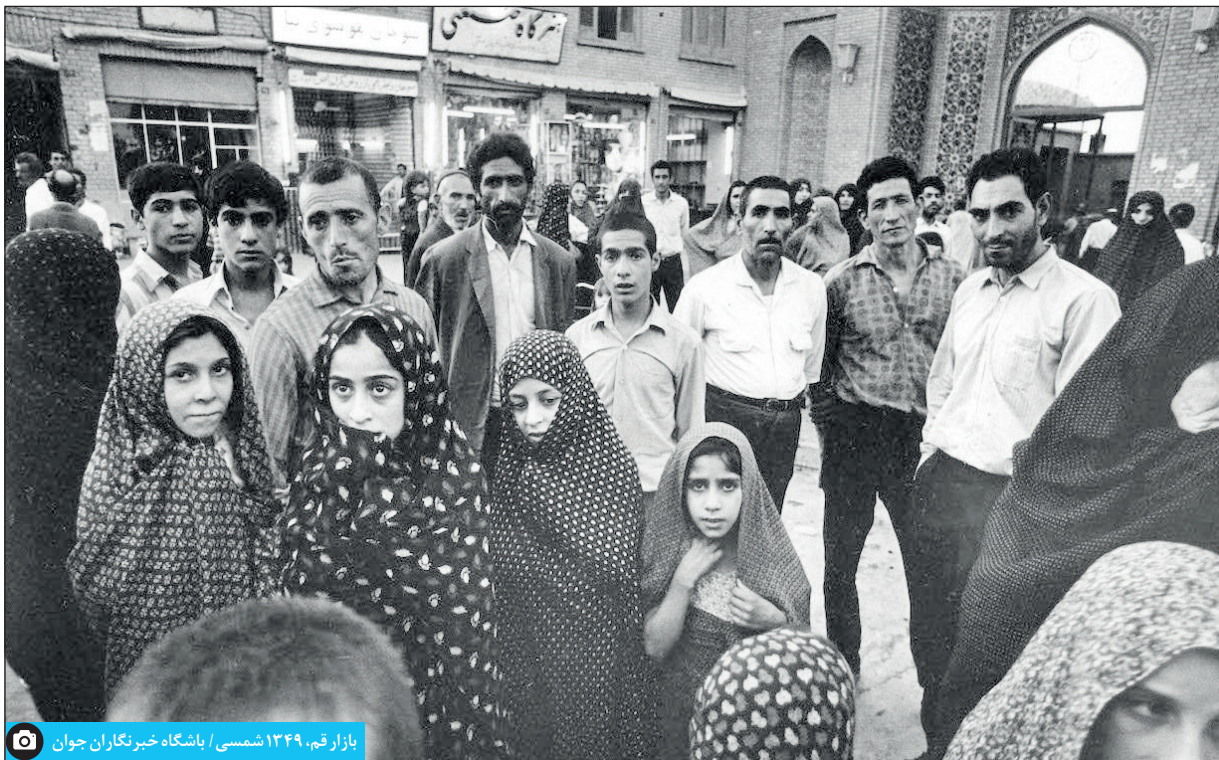
گودرزی | نوع نگاه یا فلسفه‌ای که این پژوهش بر اساس آن شکل گرفته مبتنی بر این عدم توازن است که پژوهشگران بر اساس آن، مفهومی و طراح می‌کنند که عمده این نگاه در کارهای مجید تهرانیان تحت عنوان «اکنون زدگی» وجود دارد. او می‌گوید جامعه ایران اکنون با وضعیت بی‌رویه و روستا که از گذشته خود بریده شده و امکان بازگشت به آن را ندارد و در عین حال، آینده‌ای که پیش روی خود می‌بیند آینده روشنی نیست. تهرانیان، می‌پرسد اگر در این شرایط توسعه اتفاق بیفتد نقش نهادهای فرهنگی مثل رادیو و تلویزیون چه می‌تواند باشد. در نتیجه، این تحقیق با این چارچوب شکل می‌گیرد و به همین دلیل نیز سهیم سوالات و یافته‌هایی که به رسانه و مصرف فرهنگی مربوط می‌شود یاد است.

جامعه‌شناسی توسعه

نقد کتاب «صدایی که شنیده نشد» با سخنرانی عبیدی، گودرزی، مردوخی و سعیدی

زیر پوست جامعه

بسیاری از تحقیقات اندیشمندان ما فقط خوانده می‌شود و در تصمیم‌گیری‌ها اثری ندارد



بازار قم، ۱۳۴۹ شمسی / باشگاه خبرنگاران جوان

در و آنجا به مطالعه وجوه مرتبط با آگاهی و حیات فرهنگی می‌پردازند. این سه ضلع سه نوع پژوهش پاراویبه نگاه شکل می‌دهد که این پژوهشی که ما امروز با آن در کتاب روبرو هستیم در واقع از ضلع سوم نشأت گرفته است. نگاهی که در جامعه آن روز در بین پژوهشگران وجود داشت این بود که رشد اقتصادی با سرعت و شتابان در حال رخ دادن است اما میزان تغییراتی که در ساختار اجتماعی و فرهنگی اتفاق افتاده با آن توسعه اقتصادی همراه نیست.

بنابراین نوعی از عدم توازن و شکاف را بین این سه فرایند می‌بینیم که هم در سطح کلان جامعه را با اشتقاقی و اختلال مواجه کرده و هم در سطح روان انسان ایرانی. لذا نوع نگاه یا فلسفه‌ای که این پژوهش بر اساس آن شکل گرفته مبتنی بر این عدم توازن است که پژوهشگران آن زمان در عمده دیده‌بودند بر اساس این مفهومی مطرح می‌کنند که عمده این نگاه نیز در کارهای مجید تهرانیان تحت عنوان «اکنون زدگی» وجود دارد. می‌گوید جامعه ایران اکنون با وضعیتی روبرو است که از گذشته خود بریده شده و امکان بازگشت

عاطفه شمس

کتاب «صدایی که شنیده نشد» بخشی از تحقیقاتی است که در دهه ۵۰ شمسی به همت علی اسدی و مجید تهرانیان، تحت عنوان «طرح آینده‌نگری» انجام شده است. این تحقیق از نخستین نظرسنجی‌های ملی در کشور است و اطلاعات منحصر به فرد تجربی از نگرش مردم در دهه ۵۰ شمسی به دست می‌دهد و نشان می‌دهد که چگونه در زیر پوست جامعه، جریان دینی در حال رشد بود و نگرش‌های اجتماعی-فرهنگی و توسعه نامتوازن در ایران را تحلیل می‌کند. گذشت سالیان متمدای از زمان انجام این تحقیقات، ارزش‌های آن را بیش از پیش آشکار کرد و برای ما که در سال‌های بعد از این تحقیق، شاهد انقلاب بوده‌ایم، شاید جای شگفتی باشد که چگونه چنین علامت‌هایی دیده و صدای جامعه‌ای که در این تحقیق پژواک یافته بود، شنیده نشد. با این حال، هنوز هم این تحقیق برای جامعه علمی چندان که باید شناساخته شده نیست و گزارش‌های آن به سهولت در دسترس علاقه‌مندان قرار ندارد. حتی تا همین سال‌های اخیر نیز کمتر کسی در نوشته‌های خود به یافته‌ها با عنوان این تحقیق اشاره می‌کرد. به همین دلیل نیز بوده است که عباس عبیدی و محسن گودرزی بر آن شده‌اند چند عنوان از مهم‌ترین گزارش‌های پژوهشی این طرح را به صورت کتاب در اختیار جامعه پژوهشی قرار دهند. کتابی که طی روزهای اخیر، نشست برای نقد و بررسی آن با حضور عباس عبیدی، فعال سیاسی و پژوهشگر، محسن گودرزی، پژوهشگر اجتماعی و استاد دانشگاه، با یزید مردوخی، اقتصاددان و کارشناس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و علی اصغر سعیدی، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار شد و طی آن، ضمن پرداختن به محتوای این اثر، بر لزوم استفاده از نتایج پژوهش‌های محققان در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری تأکید شد. آنچه که به گفته صاحب‌نظران این عرصه تاکنون، کمتر در عرصه سیاست کشور دیده شده است. به تعبیر مردوخی، اطلاعات این اثر مشخص می‌کند که مردم چه مشکلاتی از نظر فکری، اندیشگی و تصمیم‌گیری دارند و چه می‌خواهند و حسن آینده‌نگری در این است که دیگر کسی سخنانی مثل ایجاد میلیون‌ها شغل و افزایش بارانه‌ها را برای مقابله با بحران‌های موجود در مردم به زبان نمی‌آورد. مردوخی معتقد است در صورتی که تحقیقات با اتکا به منابع و امکانات موجود انجام شود و در عرصه سیاست‌گذاری مورد توجه قرار گیرد می‌توان اطمینان داشت که از این به بعد برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها با مبنای علمی در غیر این صورت هر سلیقه خود را به هدف برنامه و هدف سیاست تبدیل می‌کند که غالباً نیز با ارزش و مطلوب هستند اما بدون بررسی بقیه مسائل و امکانات، غیرممکن است تغییر در سر نوشت جامعه ایجاد کند. گزارش این نشست را در ادامه می‌خوانید:

گذشته مهم‌تر از آینده است

سعیدی: تغییراتی در جامعه امروز موجب شده است گذشته را قدری بیشتر بشنویم و من اعتقاد دارم که اهمیت گذشته بیشتر از آینده است. در حال حاضر نیز به درستی نمی‌شنویم و شاید نقایص موجود در این باره ریشه در گفتارهای رسمی و رایج دارد. به عقیده من روشنفکران و دانشگامان در تحقق صحیح آینده‌نگری نقش بسزا دارند. دیگر اینکه داده‌های موجود در این تحقیق برای کارهای مقایسه‌ای بسیار مطلوب است؛ از این دست مطالعاتی که تنها گذشته‌پژوهی بلکه می‌توان روندپژوهی را به درستی بررسی کرد.

می‌آید به دلیل همین احساس گناه، نمی‌تواند با آنها تباط برقرار کند. در عین اینکه ارزش‌هایی که ناشی از آن توسعه اقتصادی است را می‌خواهند. خواهان تحرک اجتماعی، ثروت و تحصیلات هستند ولی وقتی که نایل به این خواسته‌ها بااستلزاماتی مثل کار کردن زنان مواجه می‌شود نمی‌توانند با آن تباط برقرار کنند. بنابراین، نوعی دوگانگی پیش می‌آید که احساس می‌کنند با فاهی که به دست می‌آورند ممکن است چیزهای دیگری را از دست بدهند. با این تحقیق و با تحقیقات دیگری که در آن زمان انجام شده می‌توان به این نتیجه رسید که گویی جامعه ایران در آن زمان، نهاد مذهب را پناهگاهی می‌بیند برای اینکه بتواند این دو عرصه مختلف را به هم پیوند بزند. نکته بعدی در این تحقیق، تفاوت‌هایی است که بین نگرش‌های اجتماعی و ارزش‌های رسمی در جامعه وجود دارد یعنی در حالی که ارزش‌های رسمی به مولفه‌هایی تأکید می‌کند جامعه در برابر آن مقاومت می‌کند. وجه سوم، نشان می‌دهد که آگاهی جمعی در آن شرایط آگاهی محدودی است. یعنی وقتی از پاسخگویمان درباره

تقابل رفاه و ارزش‌های فرهنگی

گودرزی: در روح این تحقیق، این نکته دیده می‌شود که محیط اجتماعی و فرهنگی که بر اثر توسعه اقتصادی شکل گرفته از جهت ارزش‌های فرهنگی در جامعه ایران مورد قبول واقع نمی‌شود و در نتیجه، جامعه ایران نسبت به آنها نوعی واکنش و مقاومت دارد. به طور مثال، اگر رادیو و تلویزیون یا سینما می‌آید به دلیل همین احساس گناه، نمی‌تواند با آنها تباط برقرار کند. در عین اینکه پیش‌پا نیل به این خواسته‌ها بااستلزاماتی مثل کار کردن زنان مواجه می‌شود نمی‌توانند با آن تباط برقرار کنند. بنابراین، نوعی دوگانگی پیش می‌آید که احساس می‌کنند با فاهی که به دست می‌آورند ممکن است چیزهای دیگری را از دست بدهند. با این تحقیق و با تحقیقات دیگری که در آن زمان انجام شده می‌توان به این نتیجه رسید که گویی جامعه ایران در آن زمان، نهاد مذهب را پناهگاهی می‌بیند برای اینکه بتواند این دو عرصه مختلف را به هم پیوند بزند.

به آن را ندارد و در عین حال، آینده‌ای که پیش روی خود می‌بیند آینده روشنی نیست. تهرانیان، می‌پرسد اگر در این شرایط توسعه اتفاق بیفتد نقش نهادهای فرهنگی مثل رادیو و تلویزیون چه می‌تواند باشد. در نتیجه، این تحقیق با این چارچوب شکل می‌گیرد و به همین دلیل نیز سهیم سوالات و یافته‌هایی که به رسانه و مصرف فرهنگی-به اصطلاح امروز-مربوط می‌شود یاد است. تحقیق چندین بار به صورت توجیه‌فرام می‌دهد، یک بخش آن به رسانه‌ها مربوط می‌شود، بخشی به نگرش‌های اجتماعی که در آنجا عهدنهادت اعتماد اجتماعی مطرح می‌شود و بخش دیگری نیز به رضایت از زندگی مربوط می‌شود. شیوه‌ای که این تحقیق سازمان پیدا می‌کند و پیش می‌رود از حیث مدیریت پژوهش، به نظر می‌رسد که جزو شیوه‌های مناسب و کارآمد است. زیرا اگر تحقیق را به چند بخش تقسیم می‌کنند و فقط به نگرش‌ها و با نظر سنجی از مردم اکتفا نمی‌کنند بلکه نگرش سنجی و ارزیابی از نخبگان در سه سطح مدیران وقت، سرشناسان و جوانان نیز در نظر می‌گیرند.

مذهب: پناهگاهی برای پیوند توسعه و ارزش‌های فرهنگی

توجهات به این است که ما به چه آینده‌ای روبرو می‌شویم، چگونه باید آماده‌مواجه با آن بشویم و چگونه می‌توانیم بر این عدم توازن که بین سطوح مختلف توسعه ایجاد شده غلبه کنیم. این از جهت نوع نگاه است لذا تصویری با نگرشی که از جامعه وجود دارد به جای اینکه به بخش‌ها، فرایندها و موضوعات خاص بپردازد جامعه را در مقام کل می‌بیند و آن را به عنوان کلیت واحدی با برخی نگاه از بالا و معطوف به آینده مورد مطالعه قرار می‌دهد. بنیان این پروژه آینده‌نگری در واقع با این نگاه گذاشته می‌شود. سپس مجموعه‌ای متنوع از روش‌ها را در پیش می‌گیرند و آمارگیری‌های خاصی را نیز انجام می‌دهند که یکی از درخشان‌ترین بخش‌های آن، آمارگیری درباره فعالیت‌ها و رفتارهای مذهبی است و در نهایت، نتایج تحقیق را نیز در بین نخبگان در سمیناری در شیراز مورد بحث قرار می‌دهند. از نظر نتایج این پژوهش، این تحقیق را که در دهه ۵۰ انجام شده با تحقیقات دهه ۷۰ مقایسه کنیم به چند نکته می‌رسیم؛ اول اینکه پژوهشگران در شرایطی که فضای فرهنگی با فضای موجود در آکادمیک آن زمان، خیلی به این موضوعات توجه نمی‌کرد یکی از کانون‌های توجه خود را مذهب قرار داده و آن را هم در بین توده‌های مردم و هم در بین نخبگان مورد مطالعه قرار می‌دهند و به این می‌پردازند که نهادهای موجود و محیطی که بر اثر توسعه اقتصادی شکل گرفته تا چه حد با این نهاد مذهب سازگار است.

در روح این تحقیق، این نکته دیده می‌شود که محیط اجتماعی و فرهنگی که بر اثر توسعه اقتصادی شکل گرفته از جهت ارزش‌های فرهنگی در جامعه ایران مورد قبول واقع نمی‌شود و در نتیجه، جامعه ایران نسبت به آنها نوعی واکنش و مقاومت دارد. به طور مثال، اگر رادیو و تلویزیون یا سینما

ندارد. این کتاب را می‌توان به یک مریض تشبیه کرد که انواع و اقسام دردها را در خود دارد و خود نمی‌داند که چه باید بکند. یک شعورای اطبا می‌خواهد تا مشکل او را تشخیص دهند. اطلاعات این اثر مشخص می‌کند که مردم چه مشکلاتی از نظر فکری، اندیشگی و تصمیم‌گیری دارند و چه می‌خواهند. چنین سندی که به شکل علمی اجسام شده و به گمانه‌نمایی نیست. تهرانیان، می‌پرسد اگر در این شرایط توسعه اتفاق بیفتد نقش نهادهای فرهنگی مثل رادیو و تلویزیون چه می‌تواند باشد. در نتیجه، این تحقیق با این چارچوب شکل می‌گیرد و به همین دلیل نیز سهیم سوالات و یافته‌هایی که به رسانه و مصرف فرهنگی مربوط می‌شود یاد است.

حضور کمرنگ نخبگان در سیاست امروز ما



علی اصغر سعیدی جامعه‌شناس و استاد دانشگاه تصور من این است که هر قدر گذشته را ببینیم و بشنویم، شاید راهی به سوی آینده گشوده شود. از این جهت من بسیار از این کتاب متاثر شدم و متاسفم از اینکه دانشگاه‌های ما نمی‌توانند مشابه چهره‌هایی را که در گذشته وجود داشتند، پرورش دهند و به سطح سیاست برسانند. البته اساتید مانع موجود را می‌دانند و باید به آنها پرداخته شود. بیشتر حرف‌های مرا مهندس عبیدی زدن. به نظر می‌رسد اگر رویکردهای جاری در سال‌های ۴۲ و ۴۶ را نادرست بدانیم، باید این را نیز در نظر آوریم که این تحقیق بعد از سال ۴۲ انجام شده است و اگر این دست مسائل همان زمان هم از سبب محققان مطرح می‌شدست ممکن بود گوش شنوای وجود داشته باشد. بنابراین فقدان این رویکرد را باید ناشی از گفتار رسمی و دیدگاه‌های شاه دانست.

اهمیت گذشته بیشتر از آینده است

یعنی اگر ما بیشتر از گذشته‌نگار بشویم، می‌توانیم بفهمیم نقدهای مفروضی که بر برنامه ششم توسعه وارد است به این دلیل است که در سازمان برنامه متخصصان وجود ندارد. در نگاه به برنامه چهارم توسعه که برنامه‌ای برجسته بود و نیز گزارش‌های موجود در این باره می‌توان دریافت که اتفاقاً آنها سعی می‌کردند روند بازار را با مشاهده سلیقه مصرف‌کنندگان بررسی کنند. از آنجا که مطالعات من درباره صنعت در دوره پهلوی است، می‌توانم بر این نکته تأکید کنم که مثلاً آقای خسروشاهی محصول خود را بر اساس رفتار مردم ارایه کرده است یا از جسد، روند تولید یخچال را بر اساس خواست جامعه تعریف کرده و بعد توسعه داده است. این کار انجام نشده است. تنها آینده‌نگری که در ادبیات فارسی وجود دارد به صورت شعر و درباره یک نفر است. کار دیگری که انجام شد در سال ۱۳۸۴ توسط سازمان برنامه بود و بعد وقت آغاز شد با این استدلال که در پنج سال آینده ما باید در چارچوب یک دوره بلندمدت-به طور مثال ۲۰ ساله- حرف بزنیم و می‌خواهیم این خلأ را پر کنیم. کار آغاز شد و پیشرفت خوبی هم داشت تا اینکه اواسط کار، مجمع تشخیص مصلحت کار را از ما گرفت و خود آن را ادامه داد و تبدیل به مطالعاتی شد که چشم‌انداز ۱۴۰۴ را در پی داشت که کار ارزشمندی است اما مشخص نکرده که چگونه می‌توان به آن رسید. در واقع، بعد از آینده‌نگری به برنامه‌ریزی نیاز است.

آینده‌نگری، رفتار امروز ما را در دست می‌کند بهترین تعدادی سناریو را مطالعه می‌کند که مستخین آن، ادامه وضع موجود است. این سناریو، فقط به کار مقاعداسازی سیاستمداران می‌خورد که اگر این آینده ممکن و مطلوب است در جهت آن برنامه‌ریزی صورت گیرد و اگر نامطلوب است، یک هشدار است. یکی از جنبه‌های مهم آینده‌نگری این است که رفتار امروز ما را درست می‌کند اما ما سالیان سال است که بدون چنین برنامه‌ای فعالیت می‌کنیم. ما هیچ سندی در اختیار نداریم که بگویم ایرانی که ما خواهیم داشت یا مطلوب‌مان است که در ۲۰ سال آینده داشته باشیم، چه نوع جامعه‌ای است که خواهیم بر اساس آن برای پنج سال آینده برنامه‌ریزی کنیم و در وهله اول، از آن سناریوی نامطلوب جلوگیری می‌توانیم. ما مستخین نیز به درد نمی‌خوریم چرا که ما فقط درباره آینده حرف می‌زنیم همیشه از یک وضعیت مطلوب سخن می‌گوییم، مانند آنچه امروز متداول است مثل ایجاد یک پیشین‌شغل و چند برابر کردن بارانه... که متأسفانه هیچ یک از آنها متکی و مستند بر یک مطالعه علمی نیست. آینده‌نگری این حسن را دارد که دیگر کسی چنین سخنانی را برای مقاعداسازی یا خوشحال کردن مردم به زبان نمی‌آورد. بعد از سناریوی ادامه وضع موجود و سناریوی مطلوب، یک سناریوی ممکن نیز وجود دارد اما ممکن است مطلوب نباشد و بر اساس امکانات و منابعی که وجود دارد طراحی می‌شود. ما معمولاً به سناریوی ممکن مطلوب اتکا می‌کنیم، یعنی حدی از آرمان خواهی در آن موجود باشد و ممکن نیز باشد. در صورتی که چنین سناریویی وجود داشته باشد اقدامات به برنامه‌ریزی‌های نیز منطقی خواهد بود اما بدون آن، مثل رها کردن سنگی در تارپتی است که متأسفانه در مورد برنامه‌های کشور ما که رسیدند، چریک‌ها از سال ۵۵ عملیات خود را شروع کردند و تا سال ۵۰-۴۰ نیز در نظر گرفتند امکان اجرایی شدن، وارد برنامه‌ها کردیم که نمونه آن برنامه ششم توسعه است که هنوز تصویب نشده و رئیس‌جمهوری نیز به خاطر ملاحظات، هنوز

نقش ساخت قدرت و فضای عمومی



عباس عبیدی مولف کتاب من چند نکته را درباره بحث دکتر سعیدی یادآور می‌شوم؛ نخست اینکه منظور ما از «صدایی که شنیده نشد» شامل همه صداهایی است. همین کسانی که این تحقیق را انجام داده‌اند خود یک صدا بوده‌اند. منظور ما دو صدای یکی از طرف قدرت و دیگری از طرف فضای عمومی است، یعنی اینها به عرصه عمومی کشیده نشد. نکته دیگر که مهم است اینکه محقق برای نوشتن یک صفحه متن خوب باید حداقل ۵۰ صفحه بلد باشد، در غیر این صورت مخاطب متوجه منظور او نمی‌شود. مرحوم اسدی و تهرانیان که از کارکن اصلی این پژوهش بودند موضوع و مساله خود را خوب می‌فهمیدند و هر کسی با آنها مشورت می‌کرد دست خالی بر نمی‌گشت اما خوب آن فضای تکنوکراسی، محدودیت‌های خود را داشت، البته این کار تازه شروع شده بود و شاید اگر با انقلاب مواجه نمی‌شد شاید صدای آن به تدریج می‌توانست بلندتر شود و به گوش برسد اما با وقوع انقلاب، نه تنها این صدا شنیده نشد بلکه فراموش هم شد تا سال‌ها بعد که مجدداً به آن توجه شد.

انتخابات

باید به آینده فکر کنیم. گذشتگان ما برای آینده اهمیت چندانی قابل نبودند زیرا گذشته برای آنها معنا نداشته و در واقع با حال و آینده برای شان تفاوتی نداشته است اما امروز آینده و نگاه به آن مهم است



نشست هفتگی شهر کتاب

جای خالی تحقیقات اندیشمندان در سیاستگذاری‌ها



باز یزید مردوخی اقتصاددان این کتاب، اثری بسیار ارزشمند است که بسر مبنای تحقیقاتی در گذشته صورت یافته است، تحقیقاتی که می‌توانست در تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌های آن زمان راه‌گشا باشد اما متأسفانه بسیاری از تحقیقات اندیشمندان در عرصه‌های عمومی به این مباحث بپردازند.

باز یزید مردوخی

اقتصاددان